

باسمہ تعالیٰ شأنہ ولہ الحمد

از همان اوان که اینجانب در دانشگاهها به تدریس فقه و اصول پرداختم، در تدریس این دو ماده با مشکلاتی روبرو شدم که بسیار علاقه‌مند بودم در حد توان در رفع آن بکوشم، اما متأسفانه توفیق دست نداد. اهم این مشکلات دو چیز بود:

1 - مشکلات محتوایی: غموض و دشواری برخی از مطالب چنان است که حتی سهل‌نویسان هم نمی‌توانند آنرا به سهولت تبیین و تفهیم کنند، مثلاً عبادت چیست؟ چرا در مورد عبادات نمی‌توان قصد قربت را بعنوان جزء یا شرط در مأمور به اخذ کرد؟ حقیقت عقد و ایقاع چیست؟ چرا نکاح عقد است و طلاق ایقاع؟ ملاک آن چیست؟ اراده چیست؟ اختیار یا اضطرار و اکراه چیست؟ عول چیست تعصیب چیست؟ و مسائل بسیاری از این قبیل. بدیهی است تبیین این مطالب، خصوصاً برای دانشجویان تازه وارد، در قالب عباراتی سهل و ساده کار آسانی نخواهد بود. از این گذشته حتی نویسندگان زبردست هم گاهی نمی‌توانند آنطور که باید مطلب را ساده بنویسند. بیاد دارم حتی شهید ثانی «قده» در مواردی نتوانسته است عبارت شهید اول «قده» را که به وی «لسان الفقهاء» می‌گویند بخوبی درک کند. علاوه بر همه اینها اساساً اصطلاحات بسیاری در فقه و اصول وجود دارد که درک و فهم آنها برای دانشجویانی که چندان سر و کاری با آنها نداشته‌اند کار ساده‌ای نیست، از قبیل: حقیقت، مجاز، علاقه، قرینه، عین، منفعت، حق، اماره، اصل، استصحاب، برائت، شبهه موضوعیه، شبهه حکمی، خیار، جواز، لزوم و مصطلحات بسیار دیگر. بدیهی است برای دانشجویی که تازه وارد دانشکده الهیات یا حقوق شده است درک این اصطلاحات کار چندان ساده و آسانی نخواهد بود.

2 - دیگر این که متون اصلی این دو علم به زبان عربی نگاشته شده است و این خود، خصوصاً با انضمام به مشکل اول، کار مطالعه این متون را نه تنها برای دانشجویان بلکه حتی برای بسیاری از استادان دشوار می‌کند. از این رو برخی از اهل فضل اقدام به برگردان پاره‌ای از متون اساسی فقه و اصول از قبیل **لمعه** و **اصول الفقه** به زبان فارسی کرده‌اند و این گرچه برخی از مشکلات را تا حدودی آسان کرده، لیکن به یقین نتوانسته است همه مشکلات را برطرف کند، و حتی می‌توان گفت: مشکلی بر مشکلات نیز افزوده است. دانشجویان دانشکده حقوق و غیره بویژه دانشکده الهیات و معارف اسلامی باید هر چه بیشتر در زبان عربی تقویت شوند، چرا که کتاب و سنت که دو چشمه جوشان و دو منبع فیض فقه است و همچنین عموم منابع و کتب اصلی فقه و اصول که متون پژوهشی دانشجویان است، چه از قدماء و چه از متأخران به زبان عربی است. از این رو پرواضح است که این قبیل دانشجویان هر چه بیشتر باید زبان و ادبیات عرب خود را تقویت کنند و وجود این تراجم، که در حال حاضر به وفور در دسترس دانشجویان و طلاب جوان قرار دارد، بطور قهری عکس مطلوب را نتیجه می‌دهد. اینجانب خود به وضوح این نتیجه را لمس کرده‌ام.

خوشبختانه دوستان دانشمند و ارجمند آقایان دکتر سید محمد رضا آیتی و حجت الاسلام والمسلمین علیرضا امینی این مهم را به عهده گرفته و در حد امکان به نیکی و کمال، بدانگونه که هم مصلحت جوانان دانشجو و طلبه تأمین گردد و هم نقائص و پیچیدگیها مرتفع گردد، در آغاز این وظیفه را در فقه به انجام رسانده‌اند و سپس در علم اصول به پایان خواهند برد. کتاب شریف شرح لمعه که به صورتی زیبا و مطلوب، تهذیب و تلخیص و آماده چاپ شده است، اولین ثمره این تلاش عالمانه و مشفقانه است. امید آن که مقبول

- طباع مستقیمه و اذواق سلیمه دانشجویان و طلبه علم گردد.
- از خداوند اجر و ثواب جمیل برای ایشان مسألت دارم. با دقت در این اثر بدست می‌آید که:
- 1 - کمال کوشش بعمل آمده تا در کنار تهذیب و تنقیح متن، در اصول مطالب کم و کاستی صورت نگیرد و نکات قوت متن ناگفته نماند.
 - 2 - در مورد تطویلاتی که برای اهل فضل خالی از فائدت نیست به رعایت تناسب با ظرفیت دانشگاه و حوصله دانشگاهیان چنان حذف و اختصار بعمل آمده و راه میانه برگزیده شده که نه اختصار مَحَلّی صورت گرفته است و نه تطویل مَحَلّی.
 - 3 - در موارد لزوم به منظور حفظ نشاط دانشجویان و شکل‌دهی به کتاب بنحوی که هر چه بیشتر با روش روز متناسب گردد، عناوینی از متن استخراج شده و در صدر مسائل در مکان مناسب قرار داده شده، و پس از آن مسائل مطرح شده است.
 - 4 - برای آشکار ساختن اهمیت و مکانت فقه در مسائل اجتماعی و تطبیق آن با مقررات حقوقی در ذیل صفحات، موارد قانون مدنی و نیز قانون مجازات اسلامی آورده شده است.
- از نظر اینجانب کتاب حاضر اثری است سودمند و اهل فضل و دانش مخصوصاً دانشجویان دانشکده‌های حقوق و الهیات و احیاناً دانشکده‌های دیگری که دارای این نوع برنامه‌ها هستند بخوبی می‌توانند از آن در حد لازم و کافی بهره‌مند شوند.
- در پایان بار دیگر از خداوند متعال برای این دوستان ارجمند توفیق و سعادت می‌طلبم.

ابوالقاسم گرچی

1375/9/18

نگاهی به زندگانی «شهید اول» و «شهید ثانی» (قُدَسَ سِرِّهِمَا)

اثر علمی هر کس به نحوی بیانگر مرتبه صاحب اثر است، ولی آگاهی از زوایای زندگی مؤلف یک کتاب، گذشته از به دست دادن اطلاعات دقیق و تفصیلی پیرامون شخصیت نویسنده و آثار احتمالی دیگر او می‌تواند مشوقی باشد برای خواننده تا با علاقه و شاید انس بیشتری به مطالعه آن کتاب اقدام نماید.

کتاب ارزشمند الروضه البهیة فی شرح اللعنه الدمشقیة معروف به شرح لمعه و یا «لَمَعَتَيْن» با آن که به نام نویسنده بزرگوار آن یعنی **شهید ثانی** ثبت است، لکن با عنایت به سبک نگارش کتاب به ویژه شرح مزجی که در آن نسبت به تمامی کتاب اللعنه الدمشقیة اثر جاویدان **شهید اول** به کار گرفته شده است؛ باید میراث ماندگار آن دو اسوه فقاقت به شمار آید که با وجود بیش از یک قرن فاصله میان شهادت **شهید اول** و میلاد **شهید ثانی** اثری مشترک و هماهنگ می‌نماید، شاید بتوان شابهت‌هایی را که در زندگانی این دو شهید از آغاز تا فرجام به چشم می‌آید در پیدایش چنین پیوستگی مؤثر دانست. در اینجا شمّه‌ای از سرگذشت این دو شهید والا مقام جداگانه تقدیم خوانندگان گرامی می‌شود:

زندگانی شهید اول¹

ولادت و تحصیلات

«ابو عبدالله محمد بن مکی عاملی» ملقب به «شمس الدین» و معروف به «شهید» علی الاطلاق و «شهید اول» بنا به قول مشهور در سال 734 هـ. ق در روستای جزین (بر وزن سِکین) از قرای جبل عامل در جنوب لبنان به دنیا آمد.

قرآن و مقدمات علوم عربی و فقه را در زادگاهش نزد پدر دانشمند خود «جمال الدین مکی» و مقدمات دانش ریاضی و علوم عقلی را از محضر عمومی پدرش - که بعدها پدر همسر او نیز شد - فرا گرفت.

سپس در سن هفده سالگی جهت ادامه تحصیل راهی عراق شد و در حوزه «حله» رحل اقامت افکند. در آن روزگار، حوزه حله - پس از آن که حوزه بغداد در اثر حمله مغولان نابود گشته بود - از بزرگترین مراکز علمی اسلامی به شمار می‌رفت. از آنجا که عصر «شهید» از روزگار «محقق حلی»² و «علامه حلی»³ فاصله چندانی نداشت، حوزه حله تحت سیطره و نفوذ علمی آن دو به حیات خود ادامه می‌داد، با این حال ذوق سلیم و نبوغ علمی شهید و حریت اندیشه او تا حدی بود که علی رغم تحصیل در چنین حوزه‌ای، در تألیفات خود اقدام به نوآوریهای شکلی و محتوایی در خور توجهی نموده است. به عنوان مثال، ترتیب کتاب «لعنه» با ترتیب «شرایع و مختصر» محقق و «ارشاد» علامه تفاوت دارد و در کتاب «دروس» عناوین جدیدی به ابواب و کتب فقهی داده است.⁴

بزرگترین استاد شهید، جناب فخرالمحققین محمد بن الحسن بن یوسف، فرزند علامه حلی و صاحب کتاب ایضاح الفوائد است. البته «شهید» با دانشمندان اهل سنت نیز حشر و نشر زیادی داشته و حتی نزد تعدادی از ایشان دانش اندوخته است. خود شهید در اجازه روایتی که برای یکی از شاگردانش نوشته است می‌فرماید: «تألیفات عامه را از طریق چهل تن از دانشمندان بزرگ اهل سنت در بغداد، مکه، مدینه، مصر، دمشق، بیت المقدس و مقام ابراهیم خلیل روایت می‌کنم»⁵

1. محقق محترم کتاب غایة المراد و حاشیة شرح الارشاد در مورد زندگانی شهید اول، 57 منبع را به طور دقیق نام می‌برد. (ر.ک: غایة المراد فی شرح نُکت الارشاد، تألیف شهید اول و حاشیة شرح الارشاد، تألیف شهید ثانی. به تحقیق: رضا مختاری، ج 1، ص 74 - 70، ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی - قم، چاپ اول، سال 1414 هـ.ق.) به علاوه محقق مزبور در مقدمه کتاب یاد شده شرح حال محققان و مفصلی از زندگی شهید اول ارائه کرده است (ر.ک: همان از ص 69 تا ص 259) و نیز در همین باره ر.ک: مقدمه کتاب الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه، تألیف شهید اول، ج 1، از ص 5 تا ص 75، تحقیق و نشر: مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) و نیز: مقدمه الروضة البهیة فی شرح اللعنة الدمشقیة ج 1. مقدمه عبدالله سیبیتی، ناشر: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ دوم، سال 1365 و نیز: شهید اول، فقیه سربداران. تألیف محمد حسن امامی، ناشر: مرکز چاپ و انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، سال 1372.

2. نجم الدین ابوالقاسم جعفر بن سعید الحلی، معروف به «محقق» و «محقق حلی» متولد سال 602 هـ. ق و متوفای سال 676 هـ. ق، مدفون در شهر حله در عراق. صاحب تألیفات فقهی چون: «شرایع الاسلام»، «النافع فی مختصر الشرایع»، شرح نُکت النهایه. وی معاصر شیخ طوسی و استاد علامه حلی بوده است.

3. ابو منصور جمال الدین الحسن بن یوسف بن علی بن الطهر الحلی، معروف به «علامه» و «علامه حلی» متولد سال 648 هـ. ق و متوفای 426 هـ. ق، مدفون در نجف اشرف. صاحب تألیفات فقهی چون تذکرة الفقهاء، مُخْتَلَفُ الشیعه، قواعد الاحکام، نهایة الاحکام و ارشاد الاذهان.

4. مانند: کتاب المزار، کتاب الحسبه، کتاب المحارب، کتاب القسمة، کتاب المشتراکات، کتاب الربا و کتاب تراحم الحقوق. برای آگاهی بیشتر در این باره ر.ک: مقدمه «غایة المراد فی شرح نُکت الارشاد...» ج 1، با تحقیق رضا مختاری، ص 104 - 95.

5. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج 107، ص 109.

مراوده وی با دانشمندان عامه به اندازه‌ای بود که شهید ثانی در آغاز کتاب «شرح لمعه» می‌گوید: «مجلس درس و بحث «شهید» در دمشق هیچ گاه از حضور علمای جمهور خالی نبود»¹
بنابراین بی‌جهت نیست که از مرحوم آیت‌الله بروجردی نقل شده است که: «فقه پنج تن از فقها به جهت تسلط بر مبانی و اقوال عامه از سایرین ممتاز است: محقق حلی، علامه حلی، فخرالمحققین، شهید اول و شهید ثانی»²

شاگردان و آثار

از معروف‌ترین شاگردان شهید می‌توان از «فاضل مقداد»³ نام برد. شهید دارای تألیفات متعددی در زمینه‌های مختلف علمی به ویژه فقهی است و آثاری نیز به وی منسوب است.⁴ مهمترین کتابهای شهید که زیور طبع را آراسته‌اند عبارت‌اند از:

اللمعة الدمشقیة فی فقه الامامیة، الدروس الشرعیة فی فقه الامامیة، ذکر الشیعة فی احکام الشرعیة، غایة المراد فی شرح نکت الارشاد، القواعد و الفوائد، البیان، اجوبة مسائل فاضل المقداد، الاربعون حدیثا، الرسالة الالفیة، الوصیة باریع و عشرین خصله

کتاب «اللمعة الدمشقیة»

در این میان مناسب است به سبب نگارش کتاب اللمعة الدمشقیة اشاره‌ای داشته باشیم؛

ایام شکوفایی علمی شهید همزمان با حکومت شیعی سربداران در خراسان است. «علی بن مؤید» از رهبران نهضت سربداران و حاکم وقت خراسان طی نامه‌ای خطاب به شهید از وی جهت عزیمت به ایران و اشغال کرسی مرجعیت شیعه در خراسان دعوت می‌نماید.⁵ لکن شهید بنا به جهاتی و از جمله تحت نظر بودن از جانب حکومت سنی دمشق این درخواست را اجابت نمی‌کند ولی در عوض، کتاب لمعه را در خلوت به رشته تحریر درمی‌آورد و با رعایت اقدامات احتیاطی برای علی بن مؤید ارسال می‌دارد تا خلأ قوانین مورد نیاز ایشان را پر نماید.⁶

همسر و فرزندان

«شهید» سه پسر و یک دختر داشت که همگی اهل فضل و دانش به شمار می‌رفتند. همسر وی «ام علی»

1. الروضة البهیة، ج 1، ص 24، چاپ سید محمد کلاتر.

2. غایة المراد... ج 1 تحقیق رضا مختاری، ص 97.

3. جمال الدین ابو عبدالله المقداد بن عبدالله السیوری الحلی معروف به فاضل مقداد و فاضل سیوری متوفای سال 826 هـ. ق مدفون در نجف، صاحب تألیف گرانسنگ کنزالعرفان فی فقه القرآن.

4. برای آگاهی بیشتر از آثار شهید ر. ک: همان، ص 107 تا 184، و از ص 190 تا 209.

5. خوشبختانه متن این نامه در چند نسخه خطی وجود دارد از جمله در کتابخانه شمار 1 مجلس شورای اسلامی، با شماره 4886 و مندرج در فهرست نسخ خطی این کتابخانه ج 4، ص 29 - 28. و نیز در کتابخانه ملی در تهران با شماره 2936/2 مندرج در فهرست نسخه‌های خطی این کتابخانه ج 6، ص 168. برای مطالعه متن کامل این نامه به زبان اصلی عربی ر. ک: غایة المراد ص 164 تا 166؛ و به زبان فارسی ر. ک: شهید اول، فقیه سربداران، محمد حسن امامی، ص 92 تا ص 94.

6. جناب شهید ثانی نیز به هنگام شرح مقدمه شهید بر لمعه، به این ماجرا اشاره می‌کند. ک: الروضة البهیة... ج 1، ص 23، چاپ سید محمد کلاتر.

نیز از چنین شاخصه‌ای برخوردار بود. شیخ حرّ عاملی در این باره می‌گوید:

«ام علی، همسر شهید، زنی فاضل، با تقوا، فقیه و عابد بود، شهید او را می‌ستود و زنان را به وی ارجاع می‌داد. دخترش فاطمه، عالم، فقیه، صالح و عابد بود. شهید او را گرمی می‌داشت و زنان را به مراجعه و اقتدای به او فرمان می‌داد. من نیز از اساتیدم ثنای او را شنیده‌ام».¹ سندی از دختر شهید اول در دست است که وارستگی اخلاقی و علاقه وافر او را به علم و دانش هویدا می‌سازد. وی به موجب این سند، تمامی اموالی را که از پدرش، به ارث برده است در راه رضای پروردگار به دو تن از برادرانش به نامهای «محمد» و «علی» هبه می‌کند و در عوض، کتاب تهذیب و مصباح شیخ طوسی، کتاب من لا یحضره الفقیه شیخ صدوق، کتاب ذکری اثر پدرش و قرآن هدایی علی بن موّید به شهید را دریافت می‌دارد.²

شهادت

جناب شهید در نهم جمادی الاولی سال 786 هـ. ق در سن پنجاه و دو سالگی به دنبال یک سال حبس و طی یک محاکمه تشریفاتی در دمشق به مرگ محکوم می‌شود. پس از آن که با ضربه شمشیر او را به شهادت می‌رسانند، بدنش را به صلیب کشیده و سپس سنگسار نموده، آن گاه جسد مطهرش را می‌سوزانند. از این رو این شهید عزیز مدفنی ندارد.

از اسباب شهادت شهید اول می‌توان ارتباط او با نهضت انقلابی و حاکم شیعه در خراسان یعنی قیام سربداران و تلاش برای نشر افکار تشیع در شام و لبنان و بغض و حسد عمال حکومت وقت نسبت به ایشان را بر شمرد.³

1. امل الآمال، شیخ حرّ عاملی متوفای سال 1104 هـ. ق ج 1، ص 193.

2. غایة المراد. ص 237 و 238؛ به نقل از حیاة الامام الشہید الاول، ص 8، الفوائد الرضویة، ص 649؛ اعیان الشیعة، ج 8، ص 389 - 388؛ تکملة امل الآمال، ص 446 - 7.

3. برای آگاهی بیشتر از چگونگی به شهادت رسیدن شهید اول، گذشته از منابع عربی پیش گفته می‌توانید به کتاب شهید اول، فقیه سربداران، تألیف: محمد حسن امامی از ص 109 تا 120 مراجعه نمایید.

زندگانی «شهید ثانی»¹

ولادت و تحصیلات

زین‌الدین بن علی بن احمد العاملی الشامی معروف به «شهید ثانی» در روز سه‌شنبه سیزده شوال سال 911 هـ. ق در روستای «جبع» در جنوب لبنان به دنیا آمد. از ویژگیهای برجسته و کم‌نظیر وی، زندگی علمی پر نشاط و سراسر تکاپوی اوست. شهید ثانی خود در این باره می‌گوید: «من در روز سیزدهم شوال سال 911 هـ. ق به دنیا آمدم. از شدت خردسالی آغاز یادگیری‌ام را به خاطر ندارم ولی قرآن را در سال 920 هـ. ق و در سن نه سالگی به پایان رساندم. آن‌گاه نزد پدرم شروع به خواندن ادبیات عرب و فقه نمودم. از جمله کتابهای فقهی که نزد پدرم آموختم *المختصر النافع* - اثر محقق حلی - و *اللمعة الدمشقیه* - تألیف شهید اول - می‌باشد.

بعد از فوت پدرم در رجب سال 925، جهت ادامه تحصیل به روستای «میس» - در جبل عامل - رفتم و تا آخر سال 933 را در آنجا نزد شیخ علی بن عبدالعلی کتابهایی چون *شرایع* - اثر محقق علی - *الارشاد* - اثر علامه حلی - و بیشتر کتاب *القواعد* - اثر شهید اول - را خواندم، سپس در ذیحجه همین سال به کرک نوح - در نزدیکی شهر بعلبک - رفتم و نزد سید حسن بن سید جعفر مطالبی آموختم، تا آنکه در ماه جمادی‌الآخر سال 934 به وطن خود «جبع» مراجعت نمودم و تا سال 937 را در همانجا به مطالعه و تحقیق سپری کردم. پس از آن به دمشق کوچ کردم و نزد محقق فیلسوف شمس‌الدین محمد بن مکی، طب و هیأت و حکمت اشراق را فراگرفتم و در خدمت احمد بن جابر به خواندن علم قرائت مشغول شدم و قرآن را به قرائت، نافع، ابن کثیر، ابن عمرو و عاصم آموختم. در سال 924 به جبع بازگشتم و تا سال 941 در آنجا ماندگار شدم. سپس در آغاز سال 942 به قصد تحصیل دانش به مصر آمدم. آن‌گاه در هفدهم شوال سال 943 مصر را ترک و بعد از ادای فریضه حج و عمره در صفر سال 944 به زادگاه خود رسیدم و تا سال 946 را در آنجا بودم. در هفدهم ربیع‌الآخر سال 946 جهت زیارت عتبات عالیات رهسپار عراق گردیدم و در پانزدهم شعبان همان سال به وطن خود مراجعت نمودم. در نیمه ذیحجه سال 948 به قصد زیارت بیت‌المقدس عازم فلسطین شدم و سپس به جبع آمدم و تا آخر سال 951 را در همانجا مشغول مطالعه و پژوهش بودم. در این

1. پیرامون زندگی شهید ثانی منابع زیادی وجود دارد که از میان آنها، رساله بغیة المرید فی الکشف عن احوال الشهد با یک مقدمه و ده فصل، معتبرترین کتابی است که در سرگذشت شهید ثانی به رشته تحریر درآمده است. نویسنده این کتاب، شاگرد معروف شهید ثانی محمد بن علی بن الحسن العودی الجزینی، معروف به ابن عوده می‌باشد که مدت هفده سال در خدمت شهید ثانی افتخار شاگردی داشته است. وی در این کتاب علاوه بر مسموعات و مشاهدات خود از شخص شهید ثانی مطالب بسیاری را از کتابچه خاطرات شهید ثانی که به خط خود شهید بوده نقل کرده است. متأسفانه اصل این اثر بارزش به مرور زمان نابود گردیده و به دست ما نرسیده است، ولی مقدمه و سه فصل از آن در اختیار یکی از نوادگان پسر شهید ثانی به نام شیخ علی بن محمد بن الحسن بن زین‌الدین متولد 1014 هـ. ق و متوفای 1103 هـ. ق قرار داشته و او نیز تمامی این قسمتها را در کتاب خود به نام *الدر المنثور من المأثور و غیر المأثور* آورده است. خوشبختانه این کتاب با همت والای مرحوم آیت الله مرعشی نجفی در سال 1398 هـ. در دو مجلد به چاپ رسیده و مأخذ عمده ما نیز در این نوشتار همین کتاب است. به نظر می‌رسد سایر منابعی که در شرح حال شهید معرفی شده‌اند نیز بیشترین استفاده را از این کتاب برده‌اند. به عنوان نمونه محقق محترم کتاب *منیة المرید*، بیست و نه منبع را پیرامون زندگی شهید معرفی می‌کند و با استفاده از آنها خود نیز شرح حالی تحقیقی از زندگی شهید بازگو می‌کند (جهت آگاهی بیشتر از منابع مزبور ر. ک: *منیة المرید فی ادب المفید و المستفید* تألیف شهید ثانی، تحقیق رضا مختاری، از ص 9 تا 52، ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، سال 1368؛ و نیز: *غایة المراد فی شرح نکت الارشاد و...* با تحقیق: رضا مختاری، ص 295 تا 314).

هنگام با اشارات ربانی و الهامات غیبی عزم خود را برای سفر به سمت قسطنطنیه - استانبول¹ - جزم کردم و در روز دوشنبه هفدهم ماه ربیع الاول سال 952 به آنجا رسیدم. در قسطنطنیه سه ماه و نیم ماندم و بعد از آن به سوی عراق حرکت کردم و در صفر سال 953 در بعلبک ماندگار شدم و مدتی به تدریس فقه مذاهب پنجگانه مشغول بودم تا آن که در سال 955 به زادگاهم بازگشتم و به تدریس و تألیف مشغول شدم.²

شاگردان و آثار

شهید ثانی به شاگرد خود ابن عوده گفته است که «در سال 944 - یعنی سن سی و سه سالگی - توانایی اجتهاد را در خود احساس کردم ولی در سال 948 بود که این مهم آشکار گردید»³ توانایی شهید ثانی محدود به قلمرو فقه شیعه نبود بلکه چنان که از زبان خود وی نقل کردیم مدتها مشغول تدریس فقه مذاهب چهارگانه اهل سنت بوده است. محدث جزایری می گوید: «یکی از نوادگان دانشمند شهید ثانی برای من نقل کرد که شهید ثانی در بعلبک و جاهای دیگر صبحها فقه مذاهب چهارگانه می گفت و شبها به تدریس فقه امامیه می پرداخت.»⁴ آن اجتهاد در کنار چنین جامعیتی باعث شد تا شهید ثانی با وجود عمر غیرطولانی و مسافرت‌های بسیار، بیش از هفتاد کتاب و رساله از خود باقی گذارد.

مهمترین کتابهای چاپ شده این شهید عالی قدر به این قرار است: *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، مسالک الافهام فی شرح شرائع الاسلام، *منیة المرید فی آداب المفید و المستفید*، *مُسکنُ الفؤاد عند فقد الأُحیة و الاولاد*، *الدَّرَیة و شرحها*، *کشفُ الریبة عن احکام الغیبة و حاشیة الارشاد*.

کتاب «الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة»

در این میان کتاب *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة* از چنان جایگاهی برخوردار است که سالهای طولانی است که از کتب درسی حوزه‌ها به حساب می آید و سالهاست که به عنوان متن درسی در دانشگاه‌ها نیز مطرح است. شهید ثانی این کتاب را نه سال قبل از شهادتش به رشته تحریر درآورده است و تنها آقا بزرگ تهرانی در یک جا بیش از شصت حاشیه بر این کتاب را معرفی می نماید.⁵

از شاگردان او گذشته از «ابن عوده» می توان از «شیخ حسین بن عبدالصمد» پدر شیخ بهایی نام برد.

همسر و فرزندان

شهید ثانی در سن بیست و دو سالگی و در اوج شور تحصیلی خود، با دختر خاله و دختر استادش شیخ علی بن عبدالعلی، در روستای میس - در جبل عامل - ازدواج کرد. سرنوشت چنین مقدر کرده بود که فرزندان شهید به مرگ زودرس از دنیا می رفتند. تنها فرزند او که به این بلا گرفتار نشد شیخ حسن بن زین الدین معروف به صاحب معالم است که خود از بزرگان علمای امامیه به شمار می آید و کتاب *معالم الاصول* او سالها

1. در آن زمان «استانبول» پایتخت حکومت عثمانی و محل تلاقی تمدن اسلامی و رومی بود (مقدمه عبدالله سبیتی بر کتاب *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، تألیف شهید ثانی، ج 1، ص 1 ناشر: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، چاپ دوم، سال 1365).

2. *الدر المنثور من المأثور و غیر مأثور*، شیخ علی بن الحسن بن زین الدین، ج 2 از ص 157 تا 182 با تلخیص، ناشر: کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی ره، چاپ مهر، سال 1398 هـ. ق.

3. همان 183

4. مقدمه منیة المرید فی ادب المرید فی ادب المفید و المستفید، تألیف شهید ثانی، ص 47 به نقل از *عوالی اللآلی* ج 1، ص 11 - 10.

5. ر.ک: *الدریعة*، آقا بزرگ تهرانی، ج 6، ص 98 - 90.

به عنوان متن درسی در حوزه‌ها مورد توجه جدی بوده است.

شهادت

شهید ثانی در روز جمعه ماه رجب سال 965 هـ. ق در سن پنجاه و چهار سالگی به دست مأمور بازداشت خود، در حال اسارت و پس از مراجعت از طواف خانه خدا و انتقال به طرف پایتخت دولت عثمانی (استانبول) در حالی که قرآن زمزمه می‌کرد در ساحل مدیترانه به شهادت رسید.¹ سپس سر مبارکش را از تن جدا کرده و به دربار سلطان عثمانی فرستادند و پیکر مطهر او را نیز بنا به قولی پس از سه روز به دریا افکندند.² این است که او نیز مانند شهید اول مدفنی ندارد.

از جمله اسباب شهادت این عالم ربانی باید از ناخشنودی عمال حکومتی از فعالیت‌های علمی و تبلیغی وی و نیز حقد و حسد پاره‌ای از صاحب منصبان حکومت نسبت به ایشان که برخاسته از تعصبات مذهبی بود نام برد.³

* * *

پایان سخن را بیان حکایتی از شاگرد برجسته شهید ثانی جناب عبدالصمد (پدر بزرگوار شیخ بهایی) قرار می‌دهیم که تعبیری است از امتزاج روحی «شهید ثانی» و «شهید اول»، محدث جزایری به نقل از بعضی تألیفات شیخ بهایی و از زبان او می‌گوید: «پدرم رحمه‌الله برای من نقل کرد که یک روز صبح به خدمت استاد خود رسیدم و او را غرق در اندیشه دیدم. علت را جويا شدم. فرمود: ای برادر، گمان دارم دومین شهید پس از «شیخ شهید» من باشم، زیرا دیشب خواب دیدم جناب سید مرتضی ضیافتی ترتیب داده است و تمامی دانشمندان شیعه در آن شرکت دارند. وقتی من وارد مجلس شدم، سید برخاست و به من خوش آمد گفت و فرمود: کنار شیخ شهید بنشینم، من نیز کنار وی نشستم...»⁴

بی‌جهت نیست که ابن عوده شاگرد برجسته شهید ثانی نیز متوجه این پیوند روحانی شده و می‌گوید: «از آنجا که در علم الهی فرجام شهید ثانی همچون شهید اول با شهادت رقم خورده بود، در دل او علاقه به احیای آثار شهید اول موج می‌زد، گویی جان او با جان شهید اول سخت ممزوج شده بود و بسیار می‌شد که رأی و برداشت شهید اول را در بحث‌های علمی برمی‌گزید. این جذبه به حدی بود که فاصله زمانی میان آن دو را از میان برده و همانند معاصرین یکدیگر به نظر می‌آمدند.»⁵

1. الدر المثور...، جزایری، ج 2، ص 190.

2. روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، تألیف میرزا محمد باقر موسوی خوانساری، متولد 1226 هـ. ق و متوفای 1313 هـ. ق ج 3، ص 356، ناشر: دارالاسلامیه بیروت، چاپ اول، سال 1411 هـ. ق / 1991 م.

3. برای آگاهی بیشتر از اسباب شهادت شهید ثانی و چگونگی آن، گذشته از منابع عربی پیش گفته، ر.ک: شهید ثانی، مشعل شریعت از علی صادقی غلامعلی، ص 102 - 98، ناشر: مرکز چاپ و انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، سال 1372.

4. روضات الجنات، تألیف محمد باقر موسوی خوانساری، ج 3، ص 365.

5. الدر المثور...، ج 2، ص 184 و 185.

مقدمة الشهيد الأول رحمة الله

بسم الله الرحمن الرحيم

اللّٰهُ أَحْمَدُ اسْتِثْمَامًا لِنِعْمَتِهِ وَالْحَمْدُ فَضْلُهُ وَإِيَّاهُ أَشْكُرُ اسْتِسْلَامًا لِعِزَّتِهِ وَالشُّكْرُ طَوْلُهُ، حَمْدًا وَشُكْرًا كَثِيرًا كَمَا هُوَ أَهْلُهُ؛ وَأَسْأَلُهُ تَسْهِيلَ مَا يَلْزَمُ حَمْلُهُ وَتَعْلِيمَ مَا لَا يَسَعُ جَهْلُهُ وَأَسْتَعِينُهُ عَلَى الْقِيَامِ بِمَا يَبْقَى أَجْرُهُ وَيَحْسُنُ فِي الْمَلَأِ الْأَعْلَى ذِكْرُهُ وَيُرْجِي مَثُوبَتَهُ وَذُخْرُهُ؛ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا نَبِيُّهُ أَرْسَلَهُ وَعَلَى الْعَالَمِينَ اصْطَفَاهُ وَفَضَّلَهُ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ الَّذِينَ حَفِظُوا مَا حَمَلَهُ وَعَقَلُوا عَنْهُ مَا عَنِ جَبْرَائِيلَ عَقَلَهُ حَتَّى قَرْنَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مُحْكَمِ الْكِتَابِ وَجَعَلَهُمْ قَدْوَةً لِأَوْلَى الْأَبَابِ صَلَاةً دَائِمَةً بِدَوَامِ الْأَحْقَابِ .
أَمَّا بَعْدُ، فَهَذِهِ اللَّمْعَةُ الدَّمَشْقِيَّةُ فِي فِقْهِ الْإِمَامِيَّةِ إِجَابَةً لِلتَّمَاسِ بِعَضِّ الدِّيَانِيِّنَ وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنَعْمَ الْوَكِيلُ؛